

اطلاع مربی از مسایل روز مثل فوتبال و فیلم و بازیها

گزارش سوم متنی نشست واتسای اتاق فکر صالحین / موضوع: اطلاع مربی یا سرگروه از مسایل روز مثل فوتبال و فیلمها و بازیها

گروه واتسای صالحین با هدف نزدیک تر کردن و شبکه کردن فعالان فرهنگی و مربیان و سرگروه های صالحین در کشور ایجاد شده است.

نتیجه و گزارش بحث ها در سایت خادم گروه در همین سایت حضور کاربران عزیز منتشر می شود.

گزارش سوم .

این جلسه: اطلاع مربی یا سرگروه از مسایل روز مثل فوتبال و فیلم ها و بازیها

به تاریخ: چهار شنبه ۹۳/۳/۷ - ویرایش: دانش آموز

امام خامنه ای :

این حلقهات «صالحین»، از کارهای بسیار خوب و برجسته است و در طریق همین تکمیل بسیج قرار دارد که انشاءالله روز به روز باید آن را کاملتر کرد. کیفیتها باید بالا برود؛ البته کیفیت بر کمیّت ترجیح دارد، لکن کمیّت با کیفیت هم دارای اهمیت است؛ یعنی گسترش سطحی و عرضی همراه با عمقیابی، هر دو باید مورد توجه قرار بگیرد. امروز دنیای اسلام محتاج این حرکت بسیجی است.

عبداللّاه : بنظر بنده مربی بایستی از خیلی چیزا سر در بیاره: فوتبالیستها و تیمها بازی فوتبال کامپیوتر قرآن توأشیح سرود پزشکی زبان خارجی...البته منظورم این نیست که استاد همه چی باشه اما بایستی از همه مباحث شمه ای بلد باشه تا تو جمع اعضا حلقه کم نیاره و همیشه سرتر باشه

امیر : احسنت. اما به نظر می رسد بعضی چیزها رو مربی اصلا نباید بلد باشه یا اگر بلد هم هست مطرح نکنه.

وقتی اطلاع مربی تو موضوعات مختلف و مفید ثابت شد؛ بعضی وقت ها نمی دانم گفتن ها برای مربی فضیلت است.

اگر مربی در هر موضوعی اظهار نظر کند ولو اینکه واقعا چیزی بدانند؛ متربی حس بدی پیدا می کنه!!

دانش آموز : قبول . به نظرم اصن مربی یا سرگروه باید در متن جو باشه تا بفهمه و بدونه چه خبره... که بدونه چطور و چی بگه...

مربی باس فیلما و بازیهای روز رو در جریانش باشه.. مسایل روز رو بلد باشه... شبهه های روز .. خرافات و شایعه های روز...

مربی باید به روز باشه.

امیر : این نمی دانم گفتن ها ارزش می دانم ها رو بالا می بره

دانش آموز : سرگروه در حد اطلاع هم که شده باس بدونه امشب رئال با کی بازی داره...

دانش آموز : کسی که میشه سرگروه ' یقینا اطلاعاتش از بقیه بالاتره... اما اگر یه مسئله ای رو گیر کرد یا اطلاعاتش ناقص بود... حاج امیر درست میگن.. مث مرررد میگه نمیدونم. تحقیق میکنم' جلسه بعد برات میارم.

امیر : یکی از موضوعاتی که بنده به هیچ عنوان ورود نمی کنم فوتباله. بارها در این باره در جمع اظهار بی اطلاعی کرده ام.

دانش آموز : خوب نیست به نظرم امیر.

اگه بدونی جذابیتت برای گروهت میره بالا.

دانش آموز : من گاهی با بچه ها میریم گیم نت.. هر چند خوشم خیلی نمیداد.. اما برای کسب رفاقت هم که شده میرم.

بازی قلعه هیشکی نمیتونه منو بزنه.

امیر : مربی قرار نیست مثل متربیا بشه. متربیا باید مثل مربی بشن. فوتبال به نظر حقیر لغوه

دانش آموز : شده جزئ لاینفک بچه های امروز... همیشه نادیده گرفت به نظرم.

مشتاقم نظر بقیه رو هم بدونم در این مورد..

عبداللّاه : درسته بنظرم کمی اطلاع از فوتبال خوبه

امیر : فوتبالی بودن یا نبودن به سلیقه و استعداد مربی ربط داره. افراط هم خوب نیست.

میثم : مربی نبایستی راجب مسائل روز فوتبال اظهار نظر کند. اصل این مسائل بی فایده، بطلانی و قاتل وقت بشر است. لذا باید با سیاست، دانش آموزا رو از این مسئله دور کنیم. ضمن اینکه باید توجه بشه که فوتبال بازی کردن یه چیزه و فوتبال نگاه کردن از تلویزیون یه چیزه دیگست. بجای نگاه کردن یا حرف زدن راجب این موضوع میشه رفت بازی کرد که لا اقل فایده ای داشته باشه.

دانش آموز : مربی یا سرگروه قرار نیست در مورد فوتبال صحبت کنه...

اما در حاشیه حلقه و بیرون اگر بچه ها بحث کردند ' شما نباید به طوری باشه که اصن نفهمی در مورد چی صحبت میکن.. دستت تو کار باشه به کم.

میثم : اتفاقا اینکه راجب این مسئله چیزی ندونم یک اثر تربیتی مفید دارم. چون قرار نیست با مطالب باطل دیگران رو جذب کنم. که اگر بنا بر چنین مسئله ای باشه، خب من باید به شمه ای از کشتی کج هم داشته باشم که اگه گفتن جان سینا، من دهنم وا نمونه. یا بازیگرای هالیوود رو بشناسم و ... خلاصه باید یجور وانمود کنم که به خبرایی دارم. بنظر شما این درسته؟!

دانش آموز : نظرم اینه یک سرگروه یا مربی موفق باید با دیدگاه واقع بینی در مورد همه این موضوعات اطلاع و بصیرت داشته باشه...

یعنی مثلا در مورد کشتی کج ' به جای اطلاع و اظهار اطلاع سطح بچه ها ' حقیقت امر رو بدونه ' پشت صحنه این نمایش تلخ و خشن رو بدونه و برای بچه ها بگه... در کورد هالیوود و هزینههای میلیاردری اونها برای دشمنی با دینداری در عالم و فیلمهایی که میسازن و کاراکترها و الگوسازی ها و قهرمانسازی های الکیشون ...

مربی باید حقیقتش رو بدونه و بگه... نه اینکه مثل بقیه قاتی و قربانی بشه..

عبداللّاه : من موافق نظر دانش آموز هستم

دانش آموز : علایم فراماسونری در بازی ها و فیلمها.. بازی های کامپیوتری ترویج خشونت یا 3X.. فیلمهای ترویج بی خدایی و منجی بودن غرب در آخرالزمان.. فیلمهای نشان دادن تروریست بودن مسلمانان... مربی باید دیده باشه و اطلاع دقیق و درست درمون داشته باشه تا بتونه اگر بچه ها پرسیدند یا صحبت کردند ' درست تحلیل کنه و بچه ها رو آگاه کنه..

دانش آموز : کرتیم

دانش آموز : نباس خودمونه به خواب بز نیم و چشممون رو در مقابل اینها ببندیم که مثلا بچه ها هم یاد بگیرند چشمشون رو ببندند... که نمی بندند... هجمه زیاده...

باید مساله رو به جای حذف حل کرد.

دانش آموز : بخشید منبر ما طولانی شد... حاج امیر پذیرایی ها رو توزیع کنید.

میثم : من هم که گفتم باید با سیاستی دانش آموز رو از این مسائل فاصله بدیم. بنده مخالفت کردم با همراهی کردن اونا یا مثلا باشون گیم نت رفتن.

عبدالله : دنیای کودک متشکل از بازی و خوراکی و دنیای نوجوان متشکل از وهمیات هست. اگر بخوایم موثر باشیم نمیتونیم تو دنیایی غیر از دنیای اونها زندگی کنیم

عبدالله : البته منظورم ذوب شدن نیست. منظورم زندگی کردن و زندگی رو تو دنیای خودشون یاد دانه

دانش آموز : گیم نتم خیلی چیزی نیست... یعنی دیگه برای همه بچه ها یه چیز معمولیه...

تازه بازی های کامپیوتری در کنار ضررهای استفاده زیادشون سودهایی هم در استفاده صحیح شون هست... مثلا هیجان و انرژی بچه رو زیاد میکنه... وقتی میبره اعتماد به نفسش قوی میشه... وقتی قلعه بازی میکنه دید مدیریتی پیدا میکنه...

کسایی که بازی کردن... غیر از اینه؟؟

دانش آموز : البته افراط ممنوع.

فقط استفاده کم و صحیح.

دانش آموز : و همراهی‌شان در این کار هم استفاده صحیح رو یادشون میدی.. هم در کنارشون باهیت احساس رفاقت بیشتر میکنن که سر بزنگاه تاثیر سخن ' حرفشون ازت دارن.

عبدالله : باید باهاشون تماشای کرد. مثله حضرت ابراهیم با ستاره و ماه و خورشید پرستا. در عین همراهی ضررهاش رو گفت و اونها رو متنبه کرد

دانش آموز : احسنت. قشنگ تر از این نمیشد منظور رو رسوند.

عبدالله : چاکر داداش. اخ یادم نبود گفتگو ممنوعه

دانش آموز : فدات نفس. باکی نی.

دانش آموز : راستی سبک گفتگو هم یک روش خیلی موثر برای ایجاد جذابیت هست... همین کلمات داش مشتی کوچه بازاری رو من خیلی گشتم تا یاد گرفتم.. ایقد بعضی جاها به کار آدم میاد...

دانش آموز : مثلاً دونفر دعواشون میشه.. می دوی وسطشون با همین کلمات...!

بین جوجه فوکولی.. اییی بساط دعواتو جمش میکنی یا با پیچ گشتی چشمتو درمیارم میدم گربه بخوره...

خنده همه... اونا هم میخندن و سرد میشن.. دعوا تموم..

میثم : قطعاً همه بازی ها مردود نیستن. اما محیط گیم نت خیلی مشکل داره. مثلاً حرفهای مستهجنی که اونجا رد و بدل میشه یا بازی های نامناسب دیگه ای که اونجا موجوده. البته منظور شما رو درک کردم ولی به نظر شخصیم، این مسائل رو باید به نحو صحیح حل کرد. این بازی ها و فیلم ها و فوتبالها کلی وقت میگیرن از دانش آموزان.

مسعود: سلام به همه

در مورد اینکه مربی باید از مسایل روز مثل فوتبال و بازی های رایانه ای اطلاعات داشته باشه و دربارشون با بچه های گروهش صحبت کنه یا نه نظر هر دو گروه موافق و مخالف یه جورایی صحیحه

باید دید مربی در چه مرحله ای قرار داره

باید به یاد داشته باشیم□

علائق و ویژگی های هر مربی با بقیه فرق داره

یه مربی اهل گیم نت و رایانه س یه مربی عشق فوتباله یه مربی به مباحث علمی علاقه داره و ...

در مرحله جذب بیشترین اثر گذاری مربی در برنامه های خارج حلقه صورت میگیره

همکامی های دوستانه بعد از جلسات حلقه ، اردو، مسیر مسجد تا منزل و ...

خوب مربی برای همکلامی با مربی های با سلیق مختلف باید از هر حیطة ای یه اطلاعاتی داشته باشه

در مرحله تثبیت میشه نظری رو که جناب امانی میفرمایند

در نظر گرفت

دانش آموز : درود اهورامزدا بر مسعود پارسى!

سید عبدالله: با سلام

سید عبدالله: من هم اعلان حضور و نظر میکنم

سید عبدالله: سرگروه باید و اصلا خوب است مطلع از مستحادثات باشد.

سید عبدالله: یعنی همون دشمن شناس بودن...زمان شناس بودن...اسلام شناس بودن

سید عبدالله: این یه نکته

سید عبدالله: و حرف خودمونی زدن هم خیلی مهمه

سید عبدالله: البته يك نقطه ظریفی باید توش رعایت بشه!!!!!!!!!!!!!!

سید عبدالله: اما نکته مهم دیگر اینکه ما

سید عبدالله: اهورامزدا بخوره تو سرت

سید عبدالله: یه سلام خدایی میدادی به خدا و پیغمبرش نزدیکتر بودی

سید عبدالله: من کم و بیش اخوند ملا لغتیمبند دوم کلامتون رو میگم

سید عبدالله: مدیریت یعنی این

سید عبدالله: رضایت بنده از این گروه نسبت به گروه های دیگه که دارم خیلی بیشتره

سید عبدالله: باز هم از دعوتتان ممنون